حجاب در آیات قرآن با نگاهی به روایات





مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه اصفهان
السلام علیک یا صاحب الزمان
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

حجاب در آیات قرآن با نگاهی به روایات

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی : ایران
سرشناسه : حق‌شناس، جعفر
عنوان و نام پدیدآور : حجاب در آیات قرآن با نگاهی به روایات/*جعفر حق‌شناس
منشا مقاله : کتاب زنان ،ش ۳۶ ، تابستان ۱۳۸۶ : ص ۵۰-۸۸
یادداشت : * دانش آموخته دوره دکترای تفسیر، خارج فقه و اصول پژوهشگر مطالعات زن و خانواده
توصیفگر : پوشش زنان توصیفگر : حجاب توصیفگر : واژه جلباب
توصیفگر : احادیث توصیفگر : قرآن]۱

لباس برای پوشاندن بدن و حفظ آن از سرما و گرما و آلودگی، و مایه آبرو و آراستگی انسان است. تبدیل آن به وسیله تفاخر و تجمل، و ارزش را در کیفیت جامه دانستن، نوعی انحراف از فلسفه وجودی لباس است.
از این رو"ساده پوشی " به عنوان یکی از مظاهر ساده زیستی و رهایی از تعلقات مادی است. پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله این گونه به زندگی و دنیا می نگریست و این گونه نیز می زیست و هرگز ارزش را در لباس نمی دید.
سعدی می گوید:
تن آدمی شریف است به جان آدمیت
نه همین لباس زیباست نشان آدمیت

و به قول پروین اعتصامی:
زهد با نیت پاک است نه با جامه ی پاک
ای بس آلوده، که پاکیزه ردایی دارد

در این جا به نمونه‌هایی از سیره حضرت رسول اکرمصلی الله علیه و آله در مورد پوشیدن جامه، جنس لباس، رنگ، اندازه و تعداد و نحوه پوشیدن پیراهن،کفش، کلاه، عمامه، ردا و... اشاره می کنیم:
از نشانه‌های وارستگی آن حضرت در پوشیدن جامه و این که فخر خویش را به جامه و نوع آن نمی دانست، این است که نقل شده هر نوع لباسی که فراهم می شد می پوشید، از لنگ و پیراهن یا جبه یا هر چیز دیگر.

1ـ جنس و رنگ لباس
رسول خدا صلی الله علیه و آله هم به سلامت و عافیت جسمی، هم به سادگی و هم به نوع سالم‌تر پارچه لباس توجه داشت. لباس پنبه‌ای مورد علاقه آن حضرت بود.حضرت علی علیه السلام می فرماید:"لباس‌های پنبه‌ای بپوشید، چرا که آن، لباس پیامبر خداست."(1)
آن حضرت، هم لباس بُرد یمانی می پوشید، هم جبه‌ای پشمین و خشن از پنبه و کتان. (2)
می فرمود:"پنج چیز را تا زنده‌ام ترک نمی کنم،... یکی هم پوشیدن لباس پشمی." (3)
"سبز"، رنگ مورد پسند پیامبر اکرمصلی الله علیه و آله برای لباس بود. (4)البتهبیشتر جامه‌های پیامبر سفید بود و می فرمود: لباس سفید را بر

زندگانتان بپوشانید و مردگانتان را هم با پارچه سفید کفن کنید.(5)
پیامبر خدا ملحفه‌ای داشت که با زعفران رنگ‌آمیزی شده بود و گاهی تنها با پوشیدن همان، با مردم نماز می خواند.(6)
اما "سرخ"، رنگی بود که پیامبر خدا صلی الله علیه و آلهآن رابرای لباس، نمی پسندید.(7)
رسول خدا صلی الله علیه و آله نمونه اعلای تمیزی و آراستگی بود. در لباس پوشیدن نیز به این نکته توجه داشت و در مورد نظافت جامه می فرمود:"من اتخذ ثوبا فلینظفه."(8)
لباس سفید، خود به خود طوری است که چرک و آلودگی زودتر در آن معلوم می شود، و انسان مقید به سنت نبوی نظافت، به شستن و تمیز کردن آن روی می آورد. به علاوه انبساط خاطر و باز شدن روحیه نیز از فواید پوشیدن لباس روشن و سفید است.

2ـ اندازه و کیفیت
جامه‌ای که انسان را مغرور و سرمست کند یا تکبر و خود برتر بینی آورد، ناپسند است. مقید بودن به نوع خاصی از جامه نیز، اسارت آور است.
رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه لباس تازه می پوشید، خدا را شکر و سپاس می گفت و جامه قبلی را به مسکین می داد."کان من فعله اذا لبس الثوب الجدید حمدالله."(9)
در روایت دیگری آمده است که چون جامه نو به تن می کرد، دعا می کرد و می فرمود: خدایی را سپاس که بر تن من چیزی پوشاند تا پوشش من باشد و میان مردم آراسته باشم. (10)
جامه بلندی که بر زمین کشیده شود، نشان تکبر است و در جاهلیت، شیوه اشراف بوده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن آن که از پوشیدن آن گونه جامه‌ها نهی می کرد، خود جامه‌ای می پوشید که از نظر بلندی به قوزک پاهایش نمی رسید. "کانت ثیابه کلها مشمره فوق الکعبین."(11) این در مورد جامه‌ای بود که همچون لنگ به کمر می بست. و جامه‌ای که از رو می پوشید، تا نصف ساق پا می رسید.
جامه وی گاهی جامه‌ای کوچک‌تر از قطیفه (شمله) بود، یا جامه‌ای پشمین و راه راه با خطوط سیاه و سفید که وقتی آن را به بر می کرد، هیئت زیبایی می یافت.(12)
از نشانه‌های وارستگی آن حضرت در پوشیدن جامه و این که فخر خویش را به جامه و نوع آن نمی دانست، این است که نقل شده هر نوع لباسی که فراهم می شد می پوشید، از لنگ و پیراهن یا جبه یا هر چیز دیگر.(13)
رسول اکرم به صحابی پارسای خود ابوذر غفاری فرمود:
ای ابوذر! من لباس خشن و سخت می پوشم، روی زمین می نشینم، بر

چهار پای بی زین سوار می شوم و کسی را در ردیف خود سوار می کنم. اینها از سنت‌های من است، هر کس از سنن من روی گردان شود، از من نیست.

3ـ ساده پوشی

ساده زیستی رسول خدا صلی الله علیه و آله و وابسته نبودن به جلوه‌های فریبنده دنیا و به ناز و نعمت آن دل نبستن و به جلوه‌های مادی دل خوش نداشتن، در همه شوون زندگی وی متجلی بود از جمله در کیفیت و نوع لباس و فرش و زیر انداز و...

نقل شده که گاهی آن حضرت، روی حصیر می خوابید، بی آن که جز آن چیزی زیرش باشد. (14)

هر چه فراهم بود می پوشید، چه قطیفه‌ای باشد که بر کند، یا بُرد عالی که بپوشد، چه جبه پشمین، هر چه که از حلال می یافت می پوشید. "ما وجد من المباح لبس."(15)

مهم، مباح بودن جامه بود که برای رسول خدا اهمیت داشت، نه قیمت و جنس و دوخت و جذاب بودن!

آن حضرت به صحابی پارسای خود ابوذر غفاری فرمود:

ای ابوذر! من لباس خشن و سخت می پوشم، روی زمین می نشینم، انگشتانم را پس از غذا می لیسم،- کنایه از این که در صرف غذا اسراف نمی‌کردند - بر چهار پای بی زین سوار می شوم و کسی را در ردیف خود سوار می کنم. اینها از سنت‌های من است،هر کس از سنن من روی گردان شود، از من نیست.(16)

در سخن دیگری آمده است که عبایی داشت، هر گاه می خواست نافله بخواند (یا جا به جا شود) آن را دو تا می کردند و زیرشان می انداختند.(17)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هرگز نسبت به جای خواب و رختخواب، عیبجویی و ایرادگیری نداشت. اگر بستر برایش می گستردند، بر آن می خوابید و اگر رختخوابی پهن نمی شد، بر زمین می خوابید."ان فرشوا له اضطجع و ان لم یفرش له اضطجع علی الارض." (18)

این نهایت زهد و اوج وارستگی از تعلقات دنیوی است.

وقتی در خانه بود، لباس خود را می دوخت و بر کفش خویش وصله می زد.(19)

روزی عُمَر خدمت آن حضرت رسید، در حالی که وی بر روی حصیری خفته بود و حصیر بر پهلوهای آن حضرت خط انداخته بود؛ گفت: یا رسول الله! کاش بستری گسترده بودید! فرمود: دنیا را می خواهم چه کنم؟ مَثَل من و دنیا مَثَل رهگذری است که در یک روز گرم،ساعتی از روز را زیر سایه

درختی به استراحت پرداخته، سپس آن جا را وانهاده و رفته است.(20)

4ـ لباس های ویژه

کلاه، عمامه، دستار و عرقچین، گر چه پوشاننده بدن نیست، ولی در ردیف جامه به شمار می آید. از سنت‌های اسلامی، پوشاندن سر است، چه هنگام عبادت و نماز، چه در مواقع دیگر. گر چه"در سر عقل باید، بی کلاهی عار نیست."

پوشش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای سر خود، اغلب عمامه بود. هنگام نماز و خطبه و جهاد، به تناسب، شرایط، با چیزی سر را می پوشاند. گاهی هم سر برهنه بود. به روایت امام صادق علیه السلام پیامبر اسلام، عرقچین و کلاه سفید راه راه می پوشید و در هنگام جنگ، عرقچینی بر سر می گذاشت که روی گوش‌ها را می پوشاند.(21)

در مواقع دیگر، از زیر عمامه، عرقچین هم بر سر می پوشید. "کان یلبس القلانس تحت العمائم." (22) البته گاهی عمامه بدون کلاه بر سر می نهاد، یا کلاه بدون عمامه می پوشید.(23) عمامه سیاهی داشت که بر سر می پیچید و با آن نماز می خواند. (24)

اگر استفاده از دستمال و حوله را برای خشک کردن دست و صورت هنگام وضو وارد بحث پوشش و لباس کنیم، در این زمینه هم بد نیست بدانیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله حوله‌های متعددی داشت،با نام‌های مختلف و کاربردهای گوناگون، که به مراعات بهداشت و نظافت و نظم هم مربوط می شود.

در روایت آمده است: آن حضرت دستمال و حوله‌ای داشت که پس از وضو چهره خود را با آن خشک می کرد. و اگر حوله و دستمالی همراه نداشت، با گوشه لباس خود صورت را خشک می کرد.(25)

آراستگی آن حضرت، بهخصوص هنگام حضور در جمع مسلمانان در مسجد و برای خطبه و نماز، گوشه دیگری از سیره ایشان را نشان می دهد. لباس نماز جمعهایشان مخصوص بود:"کان له ثوب للجمعه خاصه." (26) در بعضی روایات آمده که غیر از لباسی که در روزهای غیر جمعه می پوشید، دو جامه مخصوص برای جمعه داشت.(27)

5ـ آداب لباس پوشی

گرچه لباس پوشیدن، کاری ساده و روزمره و عادی است، ولی روش و سیره اولیای دین در این زمینه‌ها هم برای ما مهم است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هر گاه لباس و پیراهن می پوشید، ابتدا سمت راست را بر تن می کرد و هر گاه جامه از تن در می آورد، از سمت چپ شروع می کرد.(28)

گاهی بی آن که جامه دیگری بر تن کند، روپوشی را بر اندام خود می افکند و دو طرف آن را بین دو شانه خود گره می زد و چه در خانه یا بیرون یا هنگام نماز بر جنازه‌ها، با همان حالت نماز می گزارد. گاهی نیز در یک لباس گشاد نماز می خواند. دو عدد جامه بُرد بافته شده داشت که آن‌ها را تنها در حال نماز می پوشید، امت خویش را به نظافت دستور می داد و تشویق می کرد.(29)
آن حضرت، انجام کار را با دست راست، و شروع از سمت راست را در همه کارهایش دوست داشت؛ در پوشیدن جامه و کفش، در شانه کردن موی. (30)
لباسی که می خرید، اگر آستین آن بیش از اندازه بود، مقدار اضافی را می برید. (31) و نمی گذاشت لبه آن را هم بدوزند و به همان حال می پوشید و می فرمود: کار، خیلی زودتر از این‌هاست.(32)
پایان این بخش را به دو کلام از حضرت رسول اکرمصلی الله علیه و آله زینت می دهیم که درباره جامه و آداب لباس پوشیدن فرموده است:
" من لبس ثیاب شهره فی الدنیا البسه الله لباس الذل یوم القیامه"(33)؛ هر کس در دنیا لباس شهرت بپوشد (لباسی غیر معمول که به خاطر آن انگشت نما شود) خداوند در روز قیامت جامه ذلت و خواری بر او می پوشاند.
امام صادق علیه السلام از پدران خویش روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله نهی می کرد که مردان، در لباس پوشیدن خود را شبیه زنان سازند. و نهی می کرد که زنان، در لباس شبیه مردان شوند.(34)

پی نوشت ها:
1. البسوا الثیاب القطن فانها لباس رسول الله (سنن النبی، ص 126).
2. بحارالانوار،ج 16، ص 227.
3. مکارم الاخلاق، ص 115.
4. کان یعجبه الثیاب الخضر(سنن النبی، ص 120).
5. البسوها احیاکم و کفنوا فیها موتاکم (سنن النبی، ص 120 و محجة البیضاء، ج 4، ص 140).
6. محجه البیضاء، ج 4، ص 141.
7. سنن النبی، ص 133. (انه کره الحمره فی اللباس)
8. مکارم الاخلاق، ص 103.
9. بحارالانوار، ج 16، ص 251/ مکارم الاخلاق، ص 36.
10. بحارالانوار، ج 16، ص 251/ محجة البیضاء، ج 4، ص 145.
11. سنن النبی، ص 120/ محجة البیضاء، ج 4، ص 141.

12. سنن النبی،ص 125، حدیث 135.
13. همان، ص 120 به نقل از احیاء العلوم غزالی.
14. همان، ص 123.
15. محجه البیضاء،ج 4، ص 125.
16. سنن النبی، ص 131.
17. همان، ص 123/ بحار الانوار، ج 16، ص 227.
18. محجة البیضاء، ج 4، ص 130.
19. بحارالانوار، ج 16، ص 230.
20. همان، ص 239.
21. مکارم الاخلاق، ص 120.
22. سنن النبی، ص 122/ محجة البیضاء، ج 4، ص 143.
23. بحار الانوار، ج 16، ص 250.
24. سنن النبی، ص 125.
25. مکارم الاخلاق، ص 36.
26. بحارالانوار، ج 16، ص 227.
27. همان، ص 251/ سنن النبی، ص 121.
28. سنن النبی، ص 123.
29. همان، ص 126.
30. بحارالانوار، ج 16، ص 237.
31. همان، ص 278.
32. مکارم الاخلاق، ص 101.
33. همان، ص 116.
34. همان،ص 118.

پیامبر اکرم(ص) می فرمایند:
«...زنی که برای حفظ غیرت، استقامت ورزید و برای خدا وظیفه خود را به خوبی انجام داد، خداوند پاداش شهید را به او خواهد داد»(1).
«خداوندا! زنانی که خود را پوشیده نگه می دارند، مشمول رحمت و غفران خود بگردان!»(2).
«کسی که در دنیا لباس شهوت به تن کند، خداوند قادر، روز قیامت لباس خواری وذلت را به اوخواهد پوشاند».(3)
«سه گروه، هرگز داخل بهشت نمی شوند: کسی که نسبت به عفت و ناموس خود بی اعتنا است؛ زنی که خود را در لباس و رفتار و امور دیگر شبیه مردان سازد وشراب خوار».(4)
«زنان خود را با پوشش اندام و چشم، از دیدار نامحرمان باز دارید که زنان هر چه پوشیده تر باشند، سعادتمندتر هستند»(5).
پیامبراکرم(ص) به حولاء،همسر عطاره فرمود:«ای حولاء!هر زنی که به خداوند سبحان و روز قیامت ایمان دارد، زینتش را برای غیر شوهرش آشکار نمی کند و نیز موی سر و مچ خود را نمایان نمی سازد»(6). حضرت علی (ع) می فرمایند:
«همانا حجاب متین برای آنان (زنان) متضمن سعادت است».(7)
نقل است رسول اکرم(ص) از اسماء در حالی که جامعه های نازک و بدن نما پوشیده بود، روبرگرداند و فرمود:«ای اسماء! همین که زن به حد بلوغ رسید، سزاوار نیست چیزی از بدن او دیده شود،مگر این و آن و به مچ دست به پایین وصورت خود اشاره کرد»(8).
امیر مؤمنان علی(ع) فرمود:«کسی که خود را شبیه غیر مسلمانان درآورد، از ما نیست (9). امام صادق(ع) می فرمایند.
«برای زن مسلمان جایز نیست که روسری و پیراهنی بر تن کند که بدنش را نپوشاند»(10).
از امام صادق(ع) پرسیدند: آیا آرنج زن تا مچ، از قسمت هایی است که باید از نامحرم پوشاند؟ حضرت فرمود:«بله، آنچه زیر روسری قرار گیرد و همچنین از محل دستبند به بالا باید پوشانده شود»(11)
از امام صادق(ع) درباره زینت هایی که جایز است زن در مقابل نامحرم ظاهر کند، پرسیدند.حضرت فرمود:«صورت وکف دو دست(12). امام باقر(ع) می فرمایند:
«جایز نیست که زن، خود را شبیه مرد کند؛ زیرا پیامبر مردانی را که مشابه زنان می شوند و همچنین زن هایی که خود را شبیه مردان می کنند،

لعنت کرده است»(13). حجاب عاشورایی
دختر 6 ساله حضرت اباعبدالله(ع) در مجلس یزید با آستین خود روی خود را پوشانده بود و اشک می ریخت. یزید پرسید:چرا گریه می کنی؟ فرمود:چگونه گریه نکند کسی که پوشش و نقابی برای او نیست که صورت خود را از تو و حضار مجلس تو بپوشاند»(14). خون نوشته ها
شهید قربانعلی حسینی:«درود برتو خواهرم که همچون زینب و ام کلثوم، در پرده حجاب خویش در سنگر بزرگی چون چادرت، با یزیدیان زمان در ستیزی »(15).
شهید اکبر مزروعی سبدانی:«ای خواهر عزیزم! حجاب تو کوبنده تر از سلاح من است؛ خوب حفظ کن تا دشمن یارای پایمال کردن خون مرا نداشته باشد»(16). پی نوشت :

1-بحارالانوار،ج103،ص250.
2-مستدرک الوسائل، ج3،ص244.
3-همان،ص245.
4-میزان الحکمه، ج2، ص102.
5-شیخ عباس قمی، سفینه البحار، 29812، به نقل از: سند بالا.
6-مستدرک حاکم، ج2، ص549.
7-نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی.
8-سنن ابن داوود، ج4، ص 62.
9-نهج الفصاحه، گردآورنده: ابوالقاسم پاینده، ص506.
10-وسائل الشیعه، ج30، ص5281.
11-مستدرک حاکم، ج2،ص 558.
12-بحارالانوار، ج104، ص 33.
13-بحارالانوار، ج103،ص 208.
14-ترجمه نفس المهموم، ص221؛ به نقل از بحارالانوار، ج103، ص73.
15-همان، ص94.
16-همان، ص 94.

حجاب نزد فاطمه زهرا

چند روایت درباره اهمیت حجاب در نظر فاطمه زهرا علیهاسلام:
حضرت موسی بن جعفر علیه السلام از پدران گرامیش از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل فرمود که:
روزی شخص نابینایی اجازه ورود خواست. فاطمه علیهاسلام برخاست و چادر به سر کرد.
رسول خدا فرمود:« چرا از او رو می‌گیری، او که تو را نمی‌بیند؟»
فاطمه عرض کرد:« او مرا نمی‌بیند، اما من که او را می بینم. و او اگر چه مرا نمی‌بیند ولی بوی مرا که حس می‌کند.»
رسول خدا فرمود:« شهادت می دهم که تو پاره تن منی.»
روزی رسول خدا از اصحاب خود پرسید:« نزدیکترین حالات زن به پروردگارش کدام است؟» اصحاب نتوانستند جواب بدهند. این سؤال به گوش فاطمه علیهاسلام رسید. فاطمه فرمود:« نزدیکترین حالات زن به پروردگارش وقتی است که در خانه اش بنشیند (و خود را در کوچه و بازار، جلو چشم نا محرمان قرار ندهد.)»
وقتی رسول خدا این سخن را شنید، فرمود:« فاطمه پاره تن من است.»
امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: روزی رسول خدا از ما پرسید:« بهترین کار برای زنان چیست؟»
فاطمه علیهاسلام پاسخ داد:« بهترین کار برای زنان این است که مردان را نبینند و مردان نیز آنها را نبینند »
رسول خدا فرمود:« فاطمه پاره تن من است »
رسول خدا بعد از ازدواج فاطمه علیهاسلام کارها را بین او و علی علیه السلام تقسیم کرد و فرمود کارهای منزل با فاطمه و کارهای خارج از منزل با علی.
فاطمه علیها سلام می‌فرماید:« هیچ کس نمی داند من چقدر خوشحال شدم که رسول خدا مرا از ظاهر شدن در پیش چشم مردان معاف کرد.»
روزی فاطمه زهرا سلام الله علیها به اسماء فرمود:« چه بد است این تخته‌هایی که بدن مرده را برای تشییع جنازه روی آن می‌گذارند! زیرا وقتی زنی را روی آن قرار می دهند و پارچه ای بر بدنش می کشند، حجم بدن او معلوم است.»
اسماء گفت:« من که در حبشه بودم، می‌دیدم مردم آنجا تابوتی از چوب درست می‌کردند و مرده را داخل آن می‌گذاشتند.»
سپس اسماء با چوب خرما تابوتی لبه‌دار درست کرد و به فاطمه علیهاسلام نشان داد. حضرت فاطمه بسیار خوشحال شد و فرمود:« این

خیلی خوب است. وقتی مرده را داخل آن قرار دهند و پارچه‌ای روی آن بکشند، دیگر معلوم نمی‌شود مرده مرد است یا زن.» و فرمود:« پس از مرگم، مرا در همین تابوت بگذارید.»

پیام پیامبر (ص) به دختران امروز

نویسنده:محمد باقر پور امینی طلیعه
آیا پیام پیامبر(ص) ویژة مردان است؟
و آیا زنان هم مخاطب پیام پیامبر(ص) قرار می گیرند؟
پیامبر اسلام همچون همه انبیاء با دو هدف، هدایت مردم را آغاز و دنبال کرد:
1. آشنا ساختن مردم با معارف الهی.
2. کامل کردن عقاید و اخلاق جامعه.
یعنی تعلیم کتاب و حکمت از یک سو، و تزکیة نفوس مردم از سوی دیگر؛
آن گونه که قرآن میفرماید:
یعلّمهم الکتاب و الحکمه و یزکیهم.
از این رو، میتوان رسالت پیامبر(ص) را اینگونه بیان داشت که:
او برای تعلیم و تربیت و تزکیه آمد تا در بخش جامعه را به علوم الهی و صحیح رهنمون سازد و در بخش عملی، مردم را به طهارت روح برساند. مخاطب چنین حرکت هدایت بخش، جان انسان خواهد بود نه بدن او. از این رو، زن و مرد هر دو همسان هم، مخاطب «پیام پیامبر» خواهند بود.
محور تعلیم و تعلّم جان آدمی است نه بدن و نه مجموع جان و بدن. آنکه عالم میشود، روح است و روح، نه مذکّر و نه موئّث است. پس، آنچه که به کمال آدمی باز می‌گردد؛ همچون: مسائل علمی، اعتقادی و اخلاقی، در آن میان مرد و زن تفاوتی نیست. امَا چون از مسائل اجرائی و تقسیم کار سخن به میان می آید، به دلیل خصوصیات طبیعی و بدنی هر یک، وظایف مشترک و مختص وجود دارد؛ لیکن تفاوت وظایف، نقشی در میزان تکامل آن دو نخواهد داشت.
زن همچون مرد، تکامل پذیر است و قرآن هر گاه از ارزشهای والای انسانی سخن میگوید، از «زنان» همسان مردان یاد می کند بدان حد که هر دو میتوانند به مقامات انسانی و معنوی دست یابند. و مقاماتی همچون: اسلام، ایمان، طاعت، راستگویی، شکیبایی، خداترسی، روزه داری، خویشتن داری و یاد خدا، برای هر زنی قابل دست یابی است. طبیعی است که عمل صالح او نیز همچون مرد، پیامد و ره آوردی این دنیوی و اخروی خواهد داشت :
من عمل صالحاً من ذکر او انثی و هو مؤمن فلنحیینّه حیاة طیبة و لنجزینّهم اجرهم باحسن ما کانوا یعملون؛(1)
هر مرد و زن که کاری نیکو انجام دهند، اگر ایمان آورده باشند، زندگی خوش و پاکیزه ای به او خواهیم داد و پاداشی بهتر از کردارشان.

با این مقدمهٔ به طرح «پیام پیامبر به دختران مسلمان»، در چند محور ذیل می‌پردازیم: بر دختر بودن خود ببالید.
وقتی باور غالب جامعه، «زن» را مایه عار میدانست و از «دختر» نفرت داشت و حتی آن را زنده به گور میساخت؛ در چنین محیطی، «اسلام» جایگاه انسانی زن را احیاء کرده و او را ریحانه؛ یعنی شاخه گلی ظریف مینامد. یکی از ارمغانهای زیبای پیامبر، شخصیت دادن به دختر و زن میباشد. بدان حد که پیامبر(ص) میفرمود :
ـ دختران، خجسته اند و دوست داشتنی.
ـ بهترین فرزندان شما، دخترانتان می‌باشند.
ـ از خوش قدمی زن، این است که نخستین فرزندش دختر باشد.
ـ دختر خوب، فرزندی است مهربان، مددکار، مونس، با برکت و دور کنندهٔ حسرت.
ـ کسی که دختر دارد، مشمول نصرت و مدد و برکت و آمرزش خدا خواهد بود.
چون به نبی خاتم بشارت دختر میدادند، می‌فرمود:
گلی است که خدا، روزیش می‌دهد و تامین او با خداست.
بر خود ببالید و از آن دسته دخترانی باشید که پیامبر دربارهٔ ایشان فرمود:
چه خوب فرزندانی اند دختران محجوب! از فرصتها سود جویید.
فرصت جوانی، یک غنیمت زودگذر است. پس تو را هر لحظه مرگ و رجعتیست.
محمد مصطفی (ص) فرمود:
دنیا ساعتیست.زندگی کوتاه‌تر از آن است که دست کم گرفته شود. پیامبر اعظم(ص) می فرمود :
در قیامت برای هر روز از ایام عمر بندگان، 24 پرونده به تعداد ساعت های شبانه روز، گشوده میشود؛
(بنده) پرونده‌ای را پر از روشنی و سرور می‌یابد و از دیدنش چنان شادی و فرح به وی دست می دهد که اگر بر دوزخیان تقسیم شود، احساس کردن رنج آتش را از آنان باز می دارد، و این ساعتی است که پروردگارش را در آن اطاعت کرده است.
سپس پرونده‌ای دیگر گشوده می‌شود و (بنده) آن را تاریک، بدبو و ترس آور میبیند و از مشاهده اش چنان بی تابی و ترس به وی دست می دهد که اگر بر بهشتیان تقسیم گردد، خوشی را از آنان باز ستاند، و این لحظه‌ای است که پروردگارش را در آن نافرمانی کرده است.
سپس پرونده‌ای دیگر برایش گشوده می‌شود و آن را تهی می‌بیند، نه چیزی در آن است که او را شادمان کند و نه چیزی که ناراحتش سازد، و این ساعتی است که خوابیده و یا به کارهای مباح دنیایی سرگرم بوده

است؛ آنگاه به جهت از دست دادن این لحظه ها، احساس حسرت و تأسف به وی دست می دهد؛ چرا که می‌توانست آن را از نیکی‌های بی‌شمار پر سازد. و این سخن خداوند « آن(روز)، روز حسرت خوردن است.» بدین نکته اشاره دارد.
لحظات زندگی را جدّی بگیرید و فرصت جوانی را دریابید؛ «جوانی» یک نسیم رحمت است.آن گونه که پیامبر(ص) می فرمود :
«انّ لربّکم فی‌ایام دهرکم نفحات ألا فتعرضوا لها؛
در ایام زندگیتان نسیم‌های رحمتی می ورزد مراقب باشید خود را در معرض آن قرار دهید.» حیا را پاس دارید.
«حیا» سرچشمة همة زیباییهاست و در فقدان حیا، هیچ کار زیبایی انجام نمیشود و هیچ کار زشتی ترک نمیشود.پیامبر(ص) می‌فرمود:
« الاسلام عریان فلباسه الحیاء؛ »
اسلام، عریان است و حیا، لباس آن است.
حیا همان دگرگونی حال و انکسار و دوری گزینی از کار زشت است؛ به خصوص آنکه انسان احساس کند که ناظری او را می‌بیند. و آگاهی و نظارت خداوند، عامل برانگیختن حیا است. رسول خدا(ص) فرمود :
«فاستحیوا الیوم أن یطّلع الله علی شیء من أمرکم؛ شرم کنید امروز از اینکه خداوند از تمام امور شما، مطلع است.»
بزرگترین سرمایة دختر و زن مسلمان «حیا» است که ثمرة آن، مهار شهوت و تضمین عفّت او خواهد بود.
درنگ در نوع برخورد موسی 7 با دختر شعیب و شیوه راه رفتن این دختر که با حیا آمیخته بود، نیز برای شما الهام بخش است. پوشش مناسب را انتخاب کنید.
پیامبر اسلام بر پوشش زن در مقابل نامحرم و دوری از جلوه گری و خود نمایی اصرار می ورزید و قرآن، همپای توصیه به مردان در دوری از چشم چرانی و رعایت پوشش بدن از نامحرم، به زنان نیز توصیه می کند که دیدگان خود را فرو خوابانند و عفّت پیشه کنند. به دو آیة ذیل دقت کنید:
1. «ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مومنان بگو: پوشش های بلند (جلباب) خود را بر خویش فرو افکنند».
2. «به زنان مؤمن بگو: دیدگان خود را فرو خوابانند و عفّت پیشه ساخته، دامن خود را از بیگانگان بپوشانند و زیور خویش را جز برای شوهران و سایر محارم، آشکار نکنند مگر آنچه پیدا است، و روسری‌های (خُمُر) خویش را به گریبان ها اندازند تا سر و گردن و سینه و گوش‌ها پوشیده باشد، و پاهایشان را به زمین نکوبند تا آنچه از زینت پنهان می‌کنند، معلوم شود».
دربارة این دو آیه ، به چند نکته توجه کنید:

الف) جلباب، پوششی چادر مانند، گشاد و پارچه‌ای است و با روسری کوچک و خمار متفاوت است. جلباب همچون مقنعه ها و روسری های بزرگ، سر و همة بدن را می‌پوشانیده است.
و خداوند در آیة نخست با بیان «جلباب»، به پوشاندن سر و گردن و بدن زنان اشاره دارد.
ب) خُمُر، جمع خِمار و به معنای روسری و سر پوش است و خداوند در آیة دوم از دختران و زنان مؤمن خواسته است که به وسیله خمار، سینه و گریبان (جَیب) خود را بپوشانند. مرحوم طبرسی دربارة این آیه می‌نویسد : زنان مدینه،اطراف روسری‌های خود را به پشت سر می‌انداختند و سینه، گردن و گوش‌های آنان آشکار می‌شد. بر اساس این آیة، موظف شدند اطراف روسری خود را به گریبان‌ها بیندازند تا این مواضع نیز مستور باشد.
ابن عباس نیز دربارة تفسیر این آیه می‌گوید : یعنی زن، مو، سینه، دور گردن و زیر گلوی خود را بپوشاند.
ج) قرآن در پاسخ به ضرورت پوشش نیز چنین می فرماید که:
ذلک أدنی أن یعرفن فلا یؤذَین؛
بدین وسیله شناخته می شوند (که دارای اصالت خانوادگی اند) پس با آزار و تعقیب (هوسرانان) رو به رو نمی‌شوند.
د) پیامبر به اسماء فرمود :« اسماء! وقتی زن بالغ شد، شایسته نیست که (در برابر نامحرم) جز صورت و دست‌هایش دیده شوند».
ه) پوشش اسلامی به معنای زندانی کردن و قرار دادن شما پشت پرده و در نتیجه، عدم مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی نیست بلکه «پوشش» بدان معناست که شما به عنوان دختر و زنان مومن در معاشرت با مردان، بدن خود را بپوشانید و به جلوه گری و خودنمایی نپردازید و مشارکتتان در فعالیت ها، بر اصول انسانی و اسلامی استوار باشد.
و. بسیاری از جامعه شناسان، حجاب زن را مقتضای طبیعی جامعة بشری معرفی کرده‌اند. مونتسکیو می نویسد:
«قوانین طبیعت حکم می کند زن خوددار باشد؛ زیرا مرد، با تهوّر آفریده شده است و زن، نیروی خودداری بیشتری دارد. بنابراین، تضادّ بین آنها را می توان با «حجاب» از بین برد و بر اساس همین اصل، تمام ملل جهان معتقدند که زنان باید حیا و حجاب داشته باشند». همواره دانش بجویید
همواره با دانش و علم مأنوس باشید؛ زیرا «خداوند درجة آنان که ایمان آوردند و آنان که از علم بهره مند شدند، بالا میبرد». هیچ وقت از یاد گیری و دانش آموزی خسته نشوید و به فکر فارغ التحصیلی نیفتید. این توصیه پیامبر(ص) را همواره به یاد داشته باشید که می فرمود:
«چهار چیز است که هر باهوش و خردمندی باید به آن پایبند باشد؛ شنیدن

دانش ، حفظ کردن، نشردادن و عمل به دانش.»
هر ظرفی وقتی چیزی در آن میگذارند، گنجایش خود را از دست میدهد مگر ظرف دانش که با افزودن آن، گنجایشش بیش تر می-شود.
پیامبر(ص) می فرمود:
«زنان انصار، خوب زنانی هستند! شرم، مانع فقاهت آنان در دین نمی شود.»
بهترین مطالبی که شایسته است جوانان یاد بگیرند، چیزهایی است که در بزرگسالی مورد نیازشان باشد و بتوانند در زندگی اجتماعی از آموخته های دوران جوانی خود، استفاده نمایند. قدردان والدین خود باشید.
در خوبی کردن، کرنش و فروتنی به پدر و مادر خود، کوتاهی نکنید؛ خوشا به حال کسی که پدر و مادرش را نیکی کند!
شخصی دربارۀ دوست داشتنی ترین کار از پیامبر سؤال کرد و آن حضرت نخست به «گزاردن نماز اوّل وقت» اشاره فرمود و آنگاه از «نیکویی به پدر و مادر » یاد کرد.
روزی خواهر رضاعی پیامبر اکرم(ص) به نزد آن حضرت آمد؛ وقتی به او نگریست، از او شادمان گشت و ملحفه اش را گسترد و او را بر آن نشاند. سپس روی کرد و با او سخن گفت و به صورتش خندید. آنگاه خواهراش برخاست و رفت و برادراش آمد. رسول خدا(ص) چنین احترامی به او نکرد. لذا به حضورش عرض شد: ای رسول خدا ! با خواهرش رفتاری کردی که با او در حالی که مرد است، چنین نکردی!؟ فرمود:
«چون او نسبت به پدر و مادرش نیکوکارتر از برادرش بود.»
این نکته نیر قابل توجه است:
شخصی به حضور پیامبر(ص) رسید و پیرامون نیکی به پدر و مادر از آن حضرت پرسش نمود، فرمود:
«به مادر نیکی کن، به مادر نیکی کن، به مادر نیکی کن.»
و یک بار فرمود : «به پدرت نیز نیکی کن.»
پیامبر(ص) پیش از آنکه نیکی کردن به پدر را ذکر کند، با مادر آغاز نمود.
و شما ای دختران پیامبر! همواره به ارزیابی خود بپردازید، پیش از آنکه مورد نقد دیگران قرار گیرید، و پیام رسول مهربانی را پاس بدارید.
والسلام پی نوشت *نوشتۀ حاضر به مناسبت میلاد حضرت معصومه3 و روز دختران از سوی آستانۀ مقدسه (ذی القعدۀ/1427 ق.) منتشر گردیده است.
1. نحل، آیه16.

زیباترین حدیث درباره حجاب

قال النبی(ص) لفاطمه(س) «ای شیء خیر للمرأه قالت ان لا تری رجلا و لایراها رجل فضمها الیه و قال: ذریه بعضها من بعض»
پیامبر اکرم(ص) به حضرت فاطمه(س) فرمودند: چه چیز برای زن بهتر است حضرت فاطمه(س) فرمود: این که مردی را نبیند و مردی او را نبیند. پیامبر(ص) حضرت فاطمه را به خود چسبانید و فرمود ذریه ای که برخی از نسل برخی دیگراند (یعنی همه در فضائل و کمالات یکدست و به مانند یکدیگرند) (بحار، 43/84)
«الامام علی(ع): صیانه المرأه أنعم لحالها و أدوم لجمالها» ؛ (غررالحکم، فصل 44، حرف صاد، حدیث 10)
امام علی(ع) فرمود: «پوشیدگی زن (باتوجه به موقعیت روحی و جسمی اش) برای او بهتر است و زیبایی اش را پایدارتر می سازد».
النبی(ص): «ان من خیر نسائکم المتبرجه من زوجها، الحصان عن غیره» ؛ (بحارالانوار، ج 103، ص 235)
رسول خدا(ص) فرمود: «بهترین زنان شما، زنی است که برای شوهرش آرایش و خودنمایی کند، اما خود را از نامحرمان بپوشاند».

مذهبی که در قلمرو حکومت اسلامی زندگی می‌کند موظفند مقررات و قوانین کشور اسلامی را رعایت کنند از جمله مواردی که اقلیت‌های مذهبی در جامعه اسلامی باید رعایت کنند عبارتند از:
1- رعایت کلیه مقررات و قوانین اسلامی، کشورهای محل اقامت
2- احترام به مقررات و شعائر دینی
3- عدم تظاهر به منکرات،(1). اقلیت‌های مذهبی نمی‌توانند سنت‌های حاکم بر جامعه اسلامی را بشکنند طبق قراردادشان با حکومت اسلامی نباید به حدود و احکام اسلامی تجاوز کنند.
ج) حجاب زنان، از سنن قدیمی تمدن‌های بشری بوده است و در ادیان الهی دین به خصوص زرتشت، یهود و مسیحیت مسئله حجاب و رعایت آن مطرح بوده است در بعضی از ادیان مثل دین یهود، مسئله حجاب سخت‌تر از حجابی است که اسلام می‌گوید.
برای آگاهی بیشتر ر. ک: محمد محمدی آشنانی، حجاب در ادیان الهی استاد شهید مطهری، مسأله حجاب. پی‌نوشت (1)) جواهر الکلام ج 21 کتاب جهاد صفحه 271 و 270 و 269 و 268 شیخ محمد حسن نجفی) ره (انتشارات دارالکتاب الاسلامیه

لباس,برای پوشاندن بدن و حفظ آن از سرما و گرما و آلودگی و مایه ی آبرو و آراستگی انسان است. تبدیل آن به وسیله ی تفاخر و تجمل و ارزش را در کیفیت جامه دانستن, نوعی انحراف از فلسفه ی وجودی لباس است. از این رو ((ساده پوشی)) به عنوان یکی از مظاهر ساده زیستی و رهایی از تعلقات مادی است. پیامبر اکرم(ص) این گونه به زندگی و دنیا می نگریست و این گونه نیز می زیست و هرگز ارزش را در ((لباس)) نمی دید.
سعدی می گوید : تن آدمی شریف است به جان آدمیت
نه همین لباس زیباست نشان آدمیت
و به قول پروین اعتصامی :
زهد با نیت پاک است نه با جامه ی پاک
ای بس آلوده, که پاکیزه ردایی دارد
در این جا به نمونه هایی از سیره ی حضرت رسول(ص) در مورد پوشیدن جامه, جنس لباس, رنگ, اندازه و تعداد و نحوه ی پوشیدن پیراهن,کفش, کلاه, عمامه, ردا و... اشاره می کنیم:
1 ـ جنس و رنگ لباس
رسول خدا(ص) هم به سلامت و عافیت جسمی, هم به سادگی و هم به نوع سالم تر پارچه ی لباس توجه داشت. لباس پنبه ای مورد علاقه ی آن حضرت بود. علی(ع) می فرماید: ((لباس های پنبه ای بپوشید, چرا که آن, لباس پیامبر خداست)).(1)
آن حضرت, هم لباس برد یمانی می پوشید, هم جبه ای پشمین و خشن از پنبه و کتان. (2)
می فرمود: ((پنج چیز را تا زنده ام ترک نمی کنم,...یکی هم پوشیدن لباس پشمی)). (3)
رنگ سبز, رنگ مورد پسند پیامبر(ص) برای لباس بود.(4) بیشتر جامه های پیامبر سفید بود و می فرمود: لباس سفید را بر زندگانتان بپوشانید و مردگانتان را هم با پارچه ی سفید کفن کنید.(5)
پیامبر خدا ملحفه ای داشت که با زعفران رنگآمیزی شده بود و گاهی تنها با پوشیدن همان, با مردم نماز می خواند.(6)
رنگ سرخ, رنگی بود که پیامبر خدا(ص) برای لباس, آن را نمی پسندید.(7)
رسول خدا(ص) نمونه ی اعلای تمیزی و آراستگی بود. در لباس پوشیدن نیز به این نکته توجه داشت و در مورد نظافت جامه می فرمود:((من اتخذ

ثوبا فلینظفه)).(8)
لباس سفید, خود به خود طوری است که چرک و آلودگی زودتر در آن معلوم می شود, و انسان مقید به سنت نبوی نظافت, به شستن و تمیز کردن آن روی میآورد. به علاوه انبساط خاطر و باز شدن روحیه نیز از فواید پوشیدن لباس روشن و سفید است.
2 ـ اندازه و کیفیت
جامه ای که انسان را مغرور و سرمست کند یا تکبر و خود برتر بینی آورد, ناپسند است. مقید بودن به نوع خاصی از جامه نیز, اسارت آور است.
رسول خدا(ص) هرگاه لباس تازه می پوشید, خدا را شکر و سپاس می گفت و جامه ی قبلی را به مسکین می داد.
(کان من فعله اذا لبس الثوب الجدید حمدالله)(9)
در روایت دیگر است که چون جامه ی نو به تن می کرد, دعا می کرد و می فرمود: خدایی را سپاس که بر تن من چیزی پوشاند تا پوشش من باشد و میان مردم آراسته باشم. (10)
جامه ی بلندی که بر زمین کشیده شود, نشان تکبر است و در جاهلیت, شیوه ی اشراف بوده است. رسول خدا(ص) ضمن آن که از پوشیدن آن گونه جامه ها نهی می کرد, خود جامه ای می پوشید که از نظر بلندی به قوزک پاهایش نمی رسید.(کانت ثیابه کلها مشمره فوق الکعبین).(11)این در مورد جامه ای بود که هم چون لنگ به کمر می بست. و جامه ای که از رو می پوشید, تا نصف ساق پا می رسید.
جامه ی وی گاهی جامه ای کوچک تر از قطیفه(شمله) بود, یا جامه ای پشمین و راه راه با خطوط سیاه و سفید که وقتی آن را به بر می کرد, هیئت زیبایی می یافت.(12)
از نشانه های وارستگی آن حضرت در پوشیدن جامه و این که فخر خویش را به جامه و نوع آن نمی دانست, این است که نقل شده هر نوع لباسی که فراهم می شد می پوشید, از لنگ و پیراهن یا جبه یا هر چیز دیگر.(13)
3 ـ ساده پوشی
ساده زیستی رسول خدا(ص) و وابسته نبودن به جلوه های فریبنده ی دنیا و به ناز و نعمت آن دل نبستن و به جلوه های مادی دل خوش نداشتن, در همه ی شوون زندگی وی متجلی بود از جمله در کیفیت و نوع لباس و فرش و زیر انداز و...
نقل شده که گاهی آن حضرت, روی حصیر می خوابید, بی آن که جز آن چیزی زیرش باشد. (14)
هر چه فراهم بود می پوشید, چه قطیفه ای باشد که بر بکند, یا برد عالی که بپوشد, چه جبه ی پشمین, هر چه که از حلال می یافت می پوشید.(ما وجد من المباح لبس)(15)

مهم, مباح بودن جامه بود که برای رسول خدا اهمیت داشت, نه قیمت و جنس و دوخت و جذاب بودن!
آن حضرت به صحابی پارسای خود ابوذر غفاری فرمود:
ای ابوذر! من لباس خشن و سخت می پوشم, روی زمین می نشینم, انگشتانم را پس از غذا می لیسم, بر چهار پای بی زین سوار می شوم و کسی را در ردیف خود سوار می کنم. اینها از سنت های من است, هر کس از سنن من روی گردان شود, از من نیست.(16)
در سخن دیگری آمده است که عبایی داشت, هرگاه می خواست نافله بخواند (یا جابه جا شود) آن را دو تا می کردند و زیرش می انداختند.(17)
پیامبر خدا(ص) هرگز نسبت به جای خواب و رختخواب, عیبجویی و ایرادگیری نداشت. اگر بستر برایش می گستردند, بر آن می خوابید و اگر رختخوابی پهن نمی شد, بر زمین می خوابید.
(ان فرشوا له اضطجع وان لم یفرش له اضطجع علی الإرض.) (18)
این نهایت زهد و اوج وارستگی از تعلقات دنیوی است.
وقتی در خانه بود, لباس خود را می دوخت و بر کفش خویش وصله می زد.(19)
روزی عمر خدمت آن حضرت رسید, در حالی که وی بر روی حصیری خفته بود و حصیر بر پهلوهای آن حضرت خط انداخته بود; گفت: یا رسول الله! کاش بستری گسترده بودید! فرمود: دنیا را می خواهم چه کنم؟ مثل من و دنیا مثل رهگذری است که در یک روز گرم, ساعتی از روز را زیر سایه ی درختی به استراحت پرداخته, سپس آن جا را وانهاده و رفته است.(20)
4 ـ لباس های ویژه
کلاه, عمامه, دستار و عرقچین, گرچه پوشاننده ی ((بدن)) نیست, ولی در ردیف جامه به شمار میآید. از سنت های اسلامی, پوشاندن سر است, چه هنگام عبادت و نماز, چه در مواقع دیگر. گرچه ((در سر عقل باید, بی کلاهی عار نیست.))
پوشش پیامبر اکرم(ص) برای سر خود, اغلب ((عمامه)) بود. هنگام نماز و خطبه و جهاد, به تناسب, شرایط, با چیزی سر را می پوشاند. گاهی هم سر برهنه بود. به روایت امام صادق(ع) پیامبر اسلام, عرقچین و کلاه سفید راه راه می پوشید و در هنگام جنگ, عرقچینی بر سر می گذاشت که دو گوش داشت و روی گوش ها را می پوشاند.(21)
در مواقع دیگر, از زیر عمامه, عرقچین هم بر سر می پوشید.(کان یلبس القلانس تحت العمائم.) (22) البته گاهی عمامه ی بدون کلاه بر سر می نهاد, یا کلاه بدون عمامه می پوشید(23). عمامه سیاهی داشت که بر سر می پیچید و با آن نماز می خواند.(24)
اگر استفاده ی از دستمال و حوله را برای خشک کردن دست و صورت

هنگام وضو وارد بحث پوشش و لباس کنیم, در این زمینه هم بد نیست بدانیم که رسول خدا(ص) حوله های متعددی داشت, با نام های مختلف و کاربردهای گوناگون, که به مراعات بهداشت و نظافت و نظم هم مربوط می شود.

در روایت آمده است: آن حضرت دستمال و حوله ای داشت که پس از وضو چهره ی خود را با آن خشک می کرد. و اگر حوله و دستمالی همراه نداشت, با گوشه ی لباس خود صورت را خشک می کرد.(25)

آراستگی آن حضرت, بخصوص هنگام حضور در جمع مسلمانان در مسجد و برای خطبه و نماز, گوشه ی دیگری از سیره ی او را نشان می دهد. لباس نماز جمعه ی وی مخصوص بود: ((کان له ثوب للجمعه خاصه)).(26) در بعضی روایات آمده که غیر از لباسی که در روزهای غیر جمعه می پوشید, دو جامه ی مخصوص برای جمعه داشت.(27)

5 ـ آداب لباس پوشی

گرچه لباس پوشیدن, کاری ساده و روزمره و عادی است, ولی روش و سیره ی اولیای دین در این زمینه ها هم برای ما مهم است.

پیامبراکرم(ص) هر گاه لباس و پیراهن می پوشید, ابتدا سمت راست را بر تن می کرد و هرگاه جامه از تن در میآورد, از سمت چپ شروع می کرد.(28)

گاهی بی آن که جامه ی دیگری بر تن کند, روپوشی را بر اندام خود می افکند و دو طرف آن را بین دو شانه ی خود گره می زد و چه در خانه یا بیرون یا هنگام نماز بر جنازه ها, با همان حالت نماز می گزارد.گاهی نیز در یک لباس گشاد نماز می خواند. دو عدد جامه ی برد بافته شده داشت که آن ها را تنها در حال نماز می پوشید, امت خویش را به ((نظافت)) دستور می داد و تشویق می کرد.(29)

آن حضرت, انجام کار را با دست راست, و شروع از سمت راست را در همه ی کارهایش دوست داشت; در پوشیدن جامه و کفش, در شانه کردن موی.(30)

لباسی که می خرید, اگر آستین آن بیش از اندازه بود, مقدار اضافی را می برید. (31) و نمی گذاشت لبه ی آن را هم بدوزند و به همان حال می پوشید و می فرمود: کار, خیلی زودتر از این هاست.(32)

پایان این بخش را به دو کلام از حضرت رسول(ص) زینت می دهیم که درباره ی جامه و آداب لباس پوشی فرموده است:

((من لبس ثیاب شهره فی الدنیا البسه الله لباس الذل یوم القیامه)).(33)

هر کس در دنیا لباس شهرت بپوشد(لباسی غیر معمول که به خاطر آن انگشت نما شود) خداوند در روز قیامت جامه ی ذلت و خواری بر او می پوشاند.

امام صادق(ع) از پدران خویش روایت کرده است که رسول خدا(ص) نهی می کرد که مردان, در لباس پوشیدن خود را شبیه زنان سازند. و نهی می کرد که زنان, در لباس شبیه مردان شوند.(34) پی‌نوشت‌ها 1 ـ برای آشنایی از سایر ویژگی های اخلاقی و رفتاری حضرت می توانید به کتاب ((همگام با رسول(ص))) مراجعه نمایید.

1. البسوا الثیاب القطن فانها لباس رسول الله (سنن النبی, ص 126).
2. بحارالانوار,ج 16, ص 227.
3. مکارم الاخلاق, ص 115.
4. کان یعجبه الثیاب الخضر(سنن النبی, ص 120).
5. البسوها احیإکم و کفنوا فیها موتاکم (سنن النبی, ص 120 و محجه البیضإ, ج 4, ص 140).
6. محجه البیضإ, ج 4, ص 141.
7. سنن النبی, ص 133. (انه کره الحمره فی اللباس).
8. مکارم الاخلاق, ص 103.
9. بحارالانوار, ج 16, ص 251 و مکارم الاخلاق, ص 36.
10. بحارالانوار, ج 16, ص 251 و محجه البیضإ, ج 4, ص 145.
11. سنن النبی, ص 120, محجه البیضإ, ج 4, ص 141.
12. سنن النبی ,ص 125, حدیث 135.
13. همان, ص 120 به نقل از احیإ العلوم غزالی.
14. همان, ص 123.
15. محجه البیضإ, ج 4, ص 125.
16. سنن النبی, ص 131.
17. همان, ص 123 و بحار الانوار, ج 16, ص 227.
18. محجه البیضإ, ج 4, ص 130.
19. بحارالانوار, ج 16, ص 230.
20. همان, ص 239.
21. مکارم الاخلاق, ص 120.
22. سنن النبی, ص 122, محجه البیضإ, ج 4, ص 143.
23. بحار الانوار, ج 16, ص 250.
24. سنن النبی, ص 125.
25. مکارم الاخلاق, ص 36.
26. بحارالانوار, ج 16, ص 227.
27. همان, ص 251 و سنن النبی, ص 121.
28. سنن النبی, ص 123.
29. همان, ص 126.
30. بحارالانوار, ج 16, ص 237.

31. همان, ص 278.
32. مکارم الاخلاق, ص 101.
33. همان, ص 116.
34. همان ,ص 118.

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ في سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ
(سوره توبه آیه 41)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص 159
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال 1340 هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال 1385 هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازيهاي رايانه اي و ... اماكن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار هاي تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط 2350524)
ز)طراحی سیستم هاي حسابداري ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...
ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگي مذهبي قائميه اصفهان
تاریخ تأسیس: 1385 شماره ثبت : 2373 شناسه ملی : 10860152026
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com
فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com
تلفن 25-2357023- (0311) فکس 2357022 (0311) دفتر تهران 88318722 (021) بازرگانی و فروش 09132000109 امور کاربران 2333045(0311)
نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت

امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.
شماره حساب 621060953 ، شماره کارت :6273-5331-3045-1973و شماره حساب شبا : -IR90-0180-0000-0000-0621-0609 53به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید
ارزش کار فکری و عقیدتی
الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».
التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».
[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».
مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».